



فلسفه، عرفان و سیاست

نویسنده: صدرا، علیرضا

علوم سیاسی :: علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع) :: بهار 1381 - شماره 17
از 27 تا 40

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/101071>

دانلود شده توسط : عباس حیدری پور
تاریخ دانلود : 1393/07/03 20:54:25

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

فلسفه، عرفان و سیاست

تاریخ دریافت: ۸۰/۱۰/۴

تاریخ تأیید: ۸۰/۱۲/۲۵

دکتر علیرضا صدرا*

رہیافت فلسفی - سیاسی از قرن سوم و در راستای تعمق در مسائل کلامی ظهور یافت. این گرایش از یک طرف، تحت تأثیر منابع اولیه اسلامی و از طرف دیگر، متأثر از منابع فکری و فلسفی تمدن‌های بزرگ بشری به ویژه چین، مصر، هند، یونان و حکمای ایران قدیم بوده است که در مراحل بعد متفکرانی همچون کندی، فارابی و خواجه نصیر آن را تدوین کردند؛ همان‌طور که گرایش عرفانی - سیاسی به صورت منسجم از قرن پنجم متجلی شد و در قرن ششم و هفتم بالأخص پس از حمله مغول و سلطه آنها به اوج خود رسید.

واژه‌های کلیدی: فلسفه سیاسی، عرفان سیاسی، سیاست.

نگرش و گرایش فلسفی - سیاسی

گرایش فلسفی - سیاسی عمدتاً از قرن سوم و در راستای تعمق در مسائل کلامی به وجود آمد و متشکل گردید. این گرایش از یک طرف، تحت تأثیر منابع اصیل و عمیق اسلامی بوده و از طرف دیگر، با دستیابی هر چه بیشتر دانشمندان اسلامی به منابع فکری و فلسفی تمدن‌های نخستین اعم از چین، مصر و هند باستان و به ویژه حکمای ایران قدیم (فهلویون) و یونان و حتی روم باستان و غوص و مذاقه علمی در آنها، به طور جسته و گریخته مطرح گردید و در آثار متفکرانی همچون

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران.



الکندی (۱۸۵ - ۲۶۰هـ) و به ویژه ابو نصر محمد فارابی - اعم از ترجمه و شرح آنها بر آثار متفکران یونان یا تألیفات خود ایشان - سازمان یافت.

دو عامل اساسی که پیدایش، تشکیل و قوام گرایش فلسفی - سیاسی را در این مرحله ایجاد نموده و ایجاد کرد، یکی، تقریب کلام (سیاسی) به فلسفه (سیاسی) است که اوج این روند در قرن هفتم در اندیشه خواجه نصیر، از جمله در اندیشه‌های سیاسی وی و به خصوص در کتاب تجرید الاعتقاد و با تلفیق کامل کلام و فلسفه، تحقق یافت و دیگری، تقریب حکمت عملی به حکمت نظری و ابتدای اخلاق بر فلسفه و مبانی عقلی فلسفی است. اندیشه‌های ابوعلی مسکویه رازی عمدتاً در اخلاق فردی و نظریات امثال ابونصر فارابی، ابن عامری، اخوان الصفا، ابن عمید، ابوعلی سینا، ابن رشد، ابن حزم اندلسی و به ویژه خواجه نصیر در اخلاق ناصری و قطب الدین شیرازی در درة التاج، از بهترین نمونه‌های اخلاق اجتماعی و سیاسی و عینیت آنها و ابتدای آنها بر فلسفه سیاسی نظری است. بدین ترتیب هم مفاهیم و تعاریف و هم استدلال‌ات و هم شیوه‌های تحقیق و تفحص در هر دوی این قلمروها یعنی کلام و حکمت عملی صیغه فلسفی و در واقع عقلی و استدلالی به خود می‌گیرند که این عوامل خود ریشه در ضرورت‌های عالم علم و اندیشه و سازوکارهای تکوینی حاکم بر آن داشته است؛ از این رو فحوص در آنها از محدوده بحث این مقال خارج می‌باشد.

بدین ترتیب، اگر فلسفه سیاسی را در کلی‌ترین مفهوم خویش مطلق وجودشناسی، هستی‌شناسی سیاسی و پدیده‌شناسی سیاسی، حتی پدیدارشناسی سیاسی تعریف کنیم، بر آن اساس، به اعتبار منابع علمی به دو نوع فلسفه سیاسی قائل شده‌ایم: فلسفه سیاسی دینی و فلسفه سیاسی عقلی. در اولی با استناد به منابع دینی، عمدتاً به تحقیق در ماهیات و حدود موضوعات و پدیده‌های سیاسی پرداخته و در دومی، با استدلال و بهره‌گیری از مستقالات عقلی، اساساً به تفحص در اصل وجود، مبادی و حقایق پدیده‌های مزبور می‌پردازد. می‌شود گفت که آرای فلسفی - سیاسی در این دوره هر چه بیشتر به صورت آمیزه‌ای واحد، همگن و هماهنگ از دو حوزه فلسفی - سیاسی دینی و عقلی سیر کند.

این گونه نظریات در قرن چهارم، عمق، انسجام و دقت و قوام بیشتری یافته، منجر به تأسیس و بنیان‌گذاری فلسفه سیاسی در تاریخ اسلام به دست حکیم و معلم ثانی ابونصر فارابی طرخانی اوزلغ (۲۵۸ - ۳۳۹هـ) گردید، به گونه‌ای که شاخص این‌گونه اندیشه‌های فلسفی - سیاسی را در ترجمه‌ها و تلخیصات فارابی از آثار افلاطون و ارسطو و فلوطین و برخی دیگر از متفکران گمنام و گمنام و نیز شرح بر این آثار، به ویژه در تألیفات مستقل متعدد و متنوع وی در اصول پدیده‌های سیاسی آن هم به صورت یک منظومه آثار - و نه صرفاً مجموعه آثار - می‌توان جست‌وجو کرد.

وارثان اندیشه‌های فلسفی - سیاسی که در قرن پنجم هجری به اوج پختگی و تعالی خویش

رسیدند، پس از فارابی و در دورهٔبرزخی بین ابونصر و شیخ الرئیس ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ هـ) یکی ابوالحسن عامری (متوفای ۳۸۱ هـ) به ویژه در کتاب السعادة و الاسعاد و نیز در الاعلام بمناقب الاسلام بوده و دیگری گروه علمی - فرهنگی شیعی اخوان الصفا در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم است که می‌خواستند با تنظیم علوم گوناگون و از طریق ایجاد یک نهضت فرهنگی، انقلابی سیاسی را پی ببرند. اگرچه فقط آخرین رساله از رسائل ۵۱ گانه خویش را به سیاست اختصاص داده‌اند، با این حال در جای جای سایر رسائل و حتی در مباحث ریاضی، حساب، هندسه و یا هئیت به طرح نظریات سیاسی خود و ارائه تئوری‌های مهمی در تحلیل رفتار دولت و ساختار آن و سیاست، انقلاب و تعاقب دولت‌ها و تحولات سیاسی و مانند آن پرداخته‌اند.

از ابوعلی سینا اگرچه جز رساله‌ای در سعادت به مثابهٔ غایت سیاست و نیز رساله‌ای محدود در سیاست به طور مستقل، آثاری آن چنان در این زمینه به خصوص، در دست نیست، با این حال بسیاری از سایر آثار وی که عمدتاً در مواردی مثل الشفاء به صورت مجامع علمی و در قالب دائرةالمعارف نسبتاً مفصل تدوین شده و نیز کتاب‌های ارزشمند النجاة، دانشنامه علائی، رسالهٔ نفس، رسالهٔ العشق، رسالهٔ الحدود (به طور خیلی جزئی و در حد چند تعریف مختصر) و در نهایت کتاب ارزشمند الاشارات و التنبيهات که مورد شرح و نقد نظرسنجانی چون فخرالدین رازی و خواجه نصیرالدین طوسی واقع شده، حاوی آرای سیاسی ایشان است. برای نمونه وی در ریطوریکا (خطابه) و نیز الهیات شفاء^۱ به طرح نظریات «فلسفی سیاسی» و در مقدمات منطق^۲ شفاء و کتاب برهان^۳ آن درباره فلسفه علم سیاست سخن رانده است.

گرایش فلسفی - سیاسی به تبع دو مکتب و حکمت عمومی مشاء و اشراق، به صورت دو جریان فلسفی سیاسی متجلی شده است که هر کدام بر اساس جهان بینی خاص خویش و با کمک منابع و شیوه علمی ویژه خود وارد مباحث سیاسی گردیده است. آثار فلاسفه‌ای چون فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر به عنوان نمایندگان گرایش سیاسی مشاء، مشحون از نظریات عقل‌گرایانه و استدلالی آنهاست و آثار امثال سهروردی، میرفندرسکی و میرداماد^۴ به عنوان شاخصان متأخر گرایش اشراقی سیاست، حاوی نظریات دل‌گرایانه شهودی و اشراقی آنها می‌باشد و سرانجام آثار ملاصدرا و شاگردان و متأخران وی متضمن گرایش فکری - سیاسی حکمت و مشرب متعالیه است.^۵

نگرش، گرایش و نظریات عرفانی - سیاسی

تمایل به برخورد عرفانی با پدیده‌ها و مباحث سیاسی در قلمرو اندیشه‌ها در میان صاحب نظران متأخرتر و حتی در آثار دوران پختگی شیخ الرئیس خود باب گسترده‌ای دارد، به گونه‌ای که می‌شود از آن تحت عنوان گرایش عرفانی - سیاسی و به ویژه عرفان نظری به طور مستقل و در راستای گرایش

فلسفی و حتی به موازات آن یاد کرد.

این گرایش که از یک طرف، بر اساس جهان بینی عرفانی استوار بوده و از طرف دیگر، با بهره گیری از منشأ علمی و منبع معرفتی دل، اشراق و نور درونی و الهام گونه میسر شده است، از دیدگاه طرفداران این طرز تلقی، راه و شیوه و وسیله و منبع منحصر به فرد حصول یقین است که به قول غزالی در المنقذ من الضلال «خواست من دست یابی به حقیقت امور است، لذا نخست باید بدانم که حقیقت علم چیست؟ بر من روشن شد که دانش راستین آن است که در آن، یافته به گونه ای باز شناسانده شود که دیگر جای شک و گمان برای پژوهشگر نماند و منحصراً در این دانش نه تنها هیچ گاه خطا و یا اندیشه خطا هم به ذهن راه نمی یابد، بلکه دل هم مجال بروز چنین اندیشه ای را به خود راه نمی دهد» و آن هم نه با طرد عقل، بلکه با تکامل عقل و استواری آن و به قول همو «... چون این دانش ها برایم یقینی نبود، بیرون آوردن دلیل از آنها امکان نداشت. باری این درد برایم شکستنده بود و با این حال نزدیک به دو ماه دچارش بودم. در این مدت به اقتضای حال، نه مقال، بر روش سفسطه بودم تا آن که خداوند مرا از این بیماری شفای بخشید و به حالت سلامت و ثباتم برگرداند و ضروریات عقل به شیوه ای پسندیده و مطمئن با استواری و نور داشت برایم رخ نمود. اما این حالت نه با ترتیب دلیل و پس و پیش کردن کلمات، بلکه بر اثر نوری بود که خداوند در دلم افکند» و از نظر ابو حامد غزالی طوسی «این همان نوری است که کلید بیشتر دانش هاست».^۶

اولین جستارهای عرفان نظری سیاسی منظوم را حکیم سنائی غزنوی در حدیقة الحقیقة و طریقه الشریعه آورده است. مسلک حقیقتی که در قالب این منظوم به روش عرفانی متأثر از شیخ ابو سعید ابو الخیر است، چرا که وی اولین عارفی است که به طور جسته و گریخته به شعر روی آورده و سنائی اولین عارفی است که عرفان را به طور فراگیر در قالب های منظوم ریخته است. سنائی از دیدگاه های سیاسی به نظر می رسد بیشتر متأثر از مبانی نظری سیاسی قابوس نامه بوده و نظریات سیاسی محتوی آن اثر را، به قول خویش، پس از تطبیق با شریعت اسلامی و به ویژه مذهب شیعه جعفری به شیوه عرفانی ارائه کرده است. حتی منظومه منطق الطیر عطار نیشابوری در این زمینه بسیار قابل توجه می باشد.

گرایش عرفانی - سیاسی به صورت متشکل و منسجم، تقریباً از نیمه دوم قرن پنجم پی ریزی و متجلی گشت و در قرن ششم به خصوص در قرن هفتم هجری و بالأخص پس از حمله مغول و سلطه آنها به اوج خود رسید. آرای متعلق به این نحله را می شود در آثار عرفانی همچون عزیزالدین نسفی در مجموعه رسائل الانسان الكامل، ابر قوئی در مجمع البحرين -^۷ که اثری مستقل در عرفان سیاسی است - و یا حتی مولانا محمد بلخی در مثنوی، دیوان شمس و فیه ما فیه و نجم الدین رازی در مرصاد العباد باز جست.



ویژگی‌ها

از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریات، علم و اندیشه سیاسی در مرحله شکوفایی تفکر سیاسی، اعم از اندیشه فقهی - سیاسی و به خصوص اندیشه فلسفی - سیاسی و بالاخص اندیشه عرفانی سیاسی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:^۸

۱. تشکیک: اگرچه اندیشه‌های سیاسی در این مرحله بی‌تأثیر از اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر خویش نبوده و از زندگی عملی و عینی امت اسلامی کاملاً قطع علقه و رابطه نکرده بود، با این حال بیش از آن که این اندیشه‌ها نشأت گرفته از مسائل عملی مبتلا به جامعه و دولت بوده و بیش از آن که حاصل یک رشته کوشش‌ها و تشریح معضلات اجتماعی و سیاسی باشند، نشأت گرفته از مسائل نظری و علمی مبتلا به مجامع علمی بوده و ارتباط تنگاتنگی با زندگی علمی و ذهنی حوزه‌های دانش داشته و محصول جدیت‌ها و کوشش‌های طاقت فرسای جمعی از علمای قویم در تشریح معضلات فکری عموماً و فکری سیاسی خصوصاً بوده است.

به عبارت دیگر، در این مرحله مبادی و انگیزش‌های حقیقی و اصلی تفکر سیاسی نه ضرورت‌های عینی و عملی سیاسی و اجتماعی محض بلکه ضرورت‌های فکری و علمی سیاسی و اجتماعی پیرامون می‌باشد و لذا:

اولاً، ماهیت نظریات سیاسی، مجرد و انتزاعی است^۹ و ثانیاً، گرایش به یک نگرش جامع، کلی و منسجم یا نگرش منظومه‌ای^{۱۰} (که گاهی تنگاتنگ با تفکر علمی و فقهی و عرفانی است) غیر از نگرش سیستماتیک در معنا و مفهوم فلسفی - سیاسی غرب معاصر می‌باشد و همچنین گرایش به یک بینش ژرف و درون کاوانه پدیده‌ها، روابط ماهیات، حقایق و حتی واقعیات سیاسی و حتی علمی سیاسی به اوج خویش می‌رسد، به گونه‌ای که حتی مباحث فقهی - سیاسی و حتی تاریخی - سیاسی نیز از این امر مستثنا نبوده از آن متأثر می‌گردند، و سعی در طبقه بندی علوم بر اساس جهان بینی علمی منظومه‌ای و کوشش‌هایی در دسته بندی موضوعات بر این اساس صورت می‌گیرد.

۲. تعلیل: در همین راستا بحث از علل و مبادی تکوینی بلکه شبکه علل و مبادی، مرکب از مجموعه و بل منظومه‌ای از سلسله‌های طولی و عرضی مبادی و علل، وارد اندیشه‌های سیاسی می‌گردد، به گونه‌ای که بحث از علیت سیاسی و علل سیاسی به عنوان اصلی ترین وجه ممیزه و مشخصه نظریات فلسفی - سیاسی به نهایت خویش می‌رسد، حتی متفکرانی چون شیخ الرئیس آثار مستقلاً در مبادی موجودات می‌نویسند و بحث از علل چهارگانه - یعنی علت فاعلی، علت مادی، علت صوری و علت غایی در فلسفه و نظریات سیاسی به تفصیل وارد قلمرو اندیشه‌های سیاسی می‌گردد و به عنوان مطلع و نقطه شروع آنها مطرح می‌شود، در حالی که این بحث‌ها تا آن مرحله در بین اندیشمندان



سیاسی اسلامی یا مورد غفلت قرار گرفته و یا مورد اغماض بوده و حداکثر به مثابه یک بحث فرعی و جانبی به اجمال برگزار شده بود.

در طرح و تشریح علت غایی، مباحث گوناگون و حتی آثار مستقلى تحت عناوین سعادت و کمال فردی و اجتماعى سیاسى به عنوان همان غایت سیاست (دولت) و حتى غرض و غایت خلقت مطرح مى‌شود، به ویژه بحث از الگوهای سیاسى و نقش آنها در حیات سیاسى در کلیه زمینه‌ها، اعم از جامعه سیاسى، دولت، سیاست، حکومت و نظام سیاسى پیش کشیده شده و مسائل گوناگونی درباره آنها طرح مى‌گردند و به محک اندیشه و تفکر گذاشته مى‌شوند؛ مثل ماهیت سعادت، مؤلفات سعادت، مصادیق سعادت، امکان حصول و تحصیل آن در دنیا و سعادت فردی و سعادت اجتماعى و رابطه آنها با همدیگر که آیا رابطه‌شان عموم و خصوص مطلق یا عموم و خصوص من وجه بوده و یا تضاد و حتى تناقض است؟ و بر همین اساس، غرض و غایت سیاست و دولت و غرض و غایت از سیاست و از دولت چیست؟ همچنین مباحثی چون انسان کامل، محبت، عشق، خیر و شر، نفع و ضرر، فضیلت و رذیلت، صلاح و فساد و حتى لذت و الم و راه‌های تحصیل سعادت و شیوه‌ها و وسایل، عوامل، موانع و طرح لازم برای نیل به سعادت در دنیا، به عنوان موضوعات اصلی زیر ساختی فلسفه سیاسى مطرح مى‌شوند و حجم کثیری از تفکر سیاسى و آثار سیاسى را کما و کیفاً به خود اختصاص مى‌دهند.

همچنین تقسیمات گوناگونی از انواع سعادت، سیاست و اشکال متنوع دولت، جوامع سیاسى، حکومت‌ها، نظام‌های سیاسى و ملل و میان‌های حکومتی ارائه مى‌شود و مباحثی گسترده درباره سیاست فاضله، امت، ملت و جامعه سیاسى فاضله، دولت کامل، چه به صورت آرمانی و کمال مطلوب و چه به صورت الگو و اسوه - و در مقابل، اشکال مختلف و منظوم سیاست، جامعه سیاسى، دولت و حکومت غیر فاضله و ناقصه اعم از جاهله، فاسقه و ضاله و فروع هر یک از آنها، صورت مى‌گیرد. در این راستا بحث جامعه سیاسى اعم از دولت، نظام سیاسى، کشور، حکومت، قدرت سیاسى، حاکمیت سیاسى و مانند اینها پیش کشیده مى‌شود.^{۱۰} اینها جملگی موضوع همان علت مادی سیاست و علت صوری آن محسوب مى‌گردند.

در بحث از علت فاعلى سیاست، دو تفاوت عمده با تفکر سیاسى مرحله ما قبل وجود دارد، چرا که در مراحل قدیم دو عامل اساسی در فلسفه سیاسى ایفای نقش مى‌کردند؛ یکی خدا و دیگری انسان، و حال این که در تفکر جدید فلسفى - سیاسى در این مرحله:

اولاً، در عین این که ذات اقدس الهی به عنوان «علّة العلل» و «مبدأ المبادئ» و به اصطلاح فارابى «سبب اول»، همچنان وجود داشته ایفای نقش مى‌کند، با این حال بین مبدأ المبادئ تا حصول پدیده‌های سیاسى به خصوص جوامع سیاسى و دولت‌ها و تحقق امر تدبیر و سیاست ملت و مملکت، شبکه‌ای از عوامل واسطه‌ای و به اصطلاح فارابى «اسباب ثوانی» یا ملایکه و عقول ده گانه به مثابه

علل و مبادی میانی و قریبه وارد قلمرو اندیشه سیاسی می‌گردند؛ برای مثال اخوان الصفا از تشکیلات آنها تعبیر به «نظام سیاسی سماوی» کرده و از تدبیر آنها تعبیر به «سیاست آسمانی» می‌کنند و ذات لایزال الهی را به عنوان مبدأ المبادی سیاست سائس کلّ و دولت کل معرفی می‌نمایند. ابونصر فارابی منظومه مبادی، علل و اسباب سیاسی را شامل مبادی الهی اعم از سبب اول و اسباب دومین یا همان عقول ده گانه یا ملایکه می‌داند که عقل دهم موسوم به عقل فعال یا جبرائیل امین، با انسان و جامعه انسانی در ارتباط بوده و تدبیر و سیاست کلی انسان و جوامع مختلف انسانی را به عهده دارد. این شبکه مسببات همچنین شامل علل و مبادی طبیعی محیط پیرامون و علل و مبادی انسانی و اجتماعی، اعم از مبادی ارادی و اختیاری انسانی و اجتماعی و مبادی جبری و طبیعی و غیر اختیاری است؛

ثانیاً، در همین راستا دامنه تفکر فلسفی - سیاسی به خود انسان کشیده می‌شود و انسان در کانون اندیشه سیاسی قرار می‌گیرد. علل آن هم این است که در دیدگاه فلاسفه سیاسی و از نظرگاه فلسفه سیاسی، انسان هم به عنوان سائس و سیاست گذار و هم به عنوان فاعل و فاعلی نزدیک (مبدأ قریب) و به اصطلاح مباشر و مستقیم سیاست مطرح است و هم به عنوان علم مادی و علت قایل و سیاست پذیری، نظم پذیری، دولت پذیری و حتی به مثابه علت غایی سیاست، محل توجه است، چرا که در نهایت غایت از هر سیاستی، سعادت انسان‌ها و جامعه انسانی منظور نظر است و تأمین موجودیت بقا و آرمان‌های آنهاست، حال چه در عمل و واقعیت و تأمینی چه در ادعا و ظاهر سازی. حال این که در مرحله اول به بحث کلی در مورد انسان و انسان سیاسی یا جهات سیاسی انسان بسنده می‌کنند و تنها در این مرحله است که انسان شناسی سیاسی و در یک برخورد وسیع تر انسان به اعتبار سیاست و کاربرد آن در علم سیاست توسعه می‌یابد.

ثالثاً، نظریات در این مرحله یکی به علت همان عدم ارتباط تنگاتنگ با زندگی عملی امت اسلامی و دولت‌های حاکم و به لحاظ پرداختن به ابتلائات علمی و نوعاً غیر محسوس و دیگری به علت تجریدی و انتزاعی و عمیق و پیچیده بودن آنها و رای سطح فهم عوام الناس و مردم عادی کوچه و بازار است و گستره بسیار محدودی از خواص اندیشمندان و علمای اسلامی را در بر می‌گیرد؛ از این رو از آن مناظرات عمومی فهم و حتی عوام پسندانه جنجال برانگیز سیاسی جز در موارد نادر، تا حدود زیادی از نظریات و مجادلات علمی و فلسفی حکومت پسندانه خبری نیست و اختلافات علمی محدود به حوزه‌های علمی بوده، در قلمرو سیاست عملی و در میان مردم انعکاس سریع و مستقیم نمی‌یافت. غموض نظریات علمی و فلسفی در این مرحله تا آن جاست که امثال ابوعلی سینا در گفتار نخست کتاب اشارات و تنبیهات - که جزو آخرین آثار عمر علمی وی و نماینده گرایش عرفانی حکیم در اوج پختگی فلسفی اوست - با اشاره به دشواری مباحث می‌گوید:



اینها رمزهایی است به اصول (مسائل حکمت الهی و طبیعی) و آگاهانیدن بر سخنی است که هر که فهم تواند کرد، از آنها بینش و آگاهی به دست خواهد آورد، و کسی را که (درک چنین مطالبی) بر او دشوار باشد، آشکارتر از اینها سودی نبخشد و توکل به خداست.

او حتی از شایع کردن بی مورد نظریات به علت احتمال انحراف مردم یا سوء استفاده از آنها نهی می نمودند و شیخ الرئيس متعاقباً تصریح می کند:

...من آن سفارش را باز گفته و خواهم راتکرار می نمایم که در (عرضه کردن) محتوای این اجزا بر کسی که دارای شرایطی که در آخر این کتاب گفته ام نباشند بخل ورزیده شود.^{۱۱}

و در ضمن توصیه ای در خاتمه همین کتاب می گوید:

ای برادر، من در اشارات حقیقت ناب را برای تو آماده ساختم و لقمه های لذیذ حکمت را با سخن دلپذیر غذای جانت کردم، پس آن را از جاهلان و آدم های پست و کم هوش و کم استعداد و کم جرأت که میل او با افکار عامه باشد یا از فیلسوف نمایان بی دین که همچون مگسان ناتوان این میدانند بپزدار.^{۱۲}

از این رو می آورد:

اگر کسی یافتی که پاک طهرت و آدم درستی باشد و زود به طرف وسواس نمی شتابد و با چشم رضا و خشنودی و صدق به حق می نگرد پس هر چه خواست به تدریج و جزء به جزء و تکه تکه در اختیار تو بگذارد آنچه قبلاً گرفته باعث کنجکاوی در آنچه خواهد گرفت، بشود.

مرکز تحقیقات و پژوهش علوم اسلامی

او حتی می گوید:

او را در عهد و پیمان خدا و ایمان قرار ده تا نتواند عهد خود را بشکند تا مسیر تو را به پیماید و به تو تاسی کند. اگر این علم را شایع یا ضایع کنی خدا میان من و تو حاکم خواهد بود. واگذاری کار به خدا کافی است».

یا اخوان الصفا مقدم بر شیخ الرئيس ضمن نهی از شیوع بی حساب و بدون نظم و برنامه نظریات و علوم، قائل به یک نظام سلسله مراتبی می گردند و این روند را به طور مستقیم در علم و تعلیم سیاسی و آموزش و پرورش سیاسی به کار گرفته و مطرح می کنند. و نیز شیخ شهاب الدین سهروردی در حکمة الاشراق بر این روند به جد تأکید می ورزد.

از این رو شاخص نظریات سیاسی و جریانات فکری در این دوره نه مسائل عملی سیاسی و نه حتی گروه ها، فرق یا مذاهب و نحل بود، بلکه شخصیت های علمی و فکری و مکاتب نظری هستند. مهم ترین محورها و مسائل فلسفی - سیاسی در اندیشه های اسلامی، عمدتاً هم در زمینه پدیده شناسی و هم پدیدار شناسی پدیده های سیاسی زیر می باشد؛ انسان سیاسی، جامعه سیاسی، دولت، نظام سیاسی، ملیت، حاکمیت و قدرت و اقتدار، کشور و ملک و مملکت و قلمرو سیاسی، جنگ، صلح،

روابط سیاسی داخلی و خارجی و بین‌المللی و جهانی سیاست، انقلاب و تحولات سیاسی، مراتب نظام‌های سیاسی و جوامع سیاسی دولت - شهری و کشور شهری و امت - شهری و عالم - شهری و جهان - وطنی، استکبار جهانی و به ویژه تأمل درباره مفاهیم و مسائل و قضایای مربوط به حقیقت، ماهیت و واقعیت هر یک از اینها و بالأخص تفکر و طرح نظریه در خصوص مبادی و نیز غایات سیاسی انسان و یا انسان سیاسی، جامعه سیاسی، دولت، نظام سیاسی و قدرت و حاکمیت و در نهایت سیاست.

باید همچنان توجه داشت که نگرش، گرایش و نظریات فلسفی - سیاسی به جملگی پدیده‌های مذکور، غیر از نگرش، گرایش و نظریات فقهی - سیاسی یا علمی - سیاسی و یا فنی - سیاسی و یا حتی تاریخی - سیاسی - اعم از توصیفی و تحلیلی - درباره همین پدیده‌هاست و هر کدام از منظر و موضوع خویش به بررسی و طرح نظر پرداخته‌اند و هر یک گستره وسیعی از آثار و آرای سیاسی را به خود اختصاص می‌دهند.

برای نمونه محورهای اصلی بحث از مبادی انسانی سیاست به مثابه یکی از مبانی جهان بینی سیاسی در این مرحله شامل موارد زیر است:

۱. حقیقت انسان یا وجود فی‌نفسه او، یکی از مهم‌ترین خاستگاه انسان و هم جایگاه وجودی او در نظام آفرینش و در عالم طبیعت و به خصوص در برخورد با سایر موجودات، اعم از جمادات، نباتات و حیوانات و استخدام و سلطه بر آنها و بهره‌داری مادی، آلی و خدمت^{۱۳} از آنها و خود اینها شامل مواردی همچون، ویژگی‌های انسان به مثابه همزیستی ارگانیسمی، سرافت، کرامت و فضیلت انسان، تمایز انسان از حیوان و مبدأ آن، مقام خلافت الهی انسان و مناط این امر، و در نهایت اختیار انسان و حدود آن و عوامل محدود کننده آزادی و اختیار انسان اعم از عوامل و موانع طبیعی و جغرافیایی، الهی و دینی، انسانی، فردی و اجتماعی و سیاسی و دولتی.

۲. ماهیت انسان یا وجود فی‌نفسه او، شامل مباحثی همچون نفس انسانی، ثنویت و دوگانگی وجود انسان و جهات وجودی او، قوای نفس، روحیات و مطلوبات انسان، غرایز، کشش‌ها، احتیاجات و نیازهای مادی و معنوی انسان، استعدادها و قوای انسان، عقل انسان، قوا و مراتب عقل انسانی، هدف داری، کمال طلبی انسان، امراض نفسانی و طب روحانی^{۱۴} شخصی و فردی و اجتماعی سیاسی، مطلوبیت‌های فردی و اجتماعی انسان، زندگی سیاسی انسانی، صنعت و صنعتگری انسانی و دولت و سیاست به مثابه برترین صناعات عملی انسان و علم سیاست به مثابه صنعت علمی انسان،^{۱۵} و در نهایت، روابط انسانی و خاصه تکلیف‌پذیری و وظیفه شناسی انسان به مثابه زیر ساخت سیاست.^{۱۶}

۳. واقعیت انسان، که مبین موضوعیت، موجودیت و گذران انسان با آن ماهیت و حقیقت و

باجملگی مؤلفات مربوط، در زندگی عملی و در صحنه عینی حیات خویشتن و به ویژه در قلمرو زندگی سیاسی است.

به عبارت دیگر، در این تقسیم بندی، انسان، نه به طور انتزاعی و تجریدی و مفروض، بلکه در میدان ارتباطات پیچ در پیچ متقابل و تأثیر و تأثری فردی و اجتماعی و طبیعی و تکوینی و در روند حیات و عمل و اقدامات و کنش و واکنش های زندگی مورد مطالعه قرار گرفته، الگوهای فردی و اجتماعی انسان از بررسی های فرضی و در خلأ به صورت مطالعات عینی و در ملاً سیر می کند، اما نه با قطع ارتباط واقعیت انسان از ماهیت و حقیقت آن، بلکه با لحاظ آنها چه به اعتبار مبدأ و مبنای واقعیت بل واقعیات انسان و انسان سیاسی یا انسان در قلمرو و صحنه سیاسی و چه به اعتبار غایات و الگوها، نمونه ها، غایات و آرمان ها و مثل اعلا و حتی به اعتبار ظرفیت های اسمی و نهایی انسانی و اجتماعی.

در یک برخورد و تقسیم دیگر با توجه به حجم کثیر ادبیات و معارف فلسفی - سیاسی اندیشوران اسلامی، می شود تقسیمات زیر را ارائه کرد:

۱. بینش فلسفی - سیاسی، شامل فلسفه سیاسی، فلسفه علم سیاست، منطق و متدولوژی سیاسی، جهان بینی سیاسی و اقتصاد سیاسی که اینها خود به دو قلمرو زیر منقسم می شوند:

الف) قلمرو فراسیاست: قلمروهای محیط، پیرامون، ماورا و مافوق سیاست، شامل محیط طبیعی و تکوینی و حتی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و پدیده های سیاسی؛

ب) قلمرو فرو سیاست: قلمروهای محاط و مادون سیاست، شامل قلمروهای انسانی و روانی که هر دوی قلمروهای فوق به یک اعتبار مبادی سیاست محسوب شده، تشکیل دهنده مبانی و مبادی جهان بینی های سیاسی نظریات سیاسی هستند.

۲. دانش فلسفی - سیاسی: شامل همان پدیده شناسی و نیز پدیدار شناسی پدیده های سیاسی اخیر الذکر، و اجزا و روابط ساختی و تأثیر و تأثری فیما بین است.



پی‌نوشت‌ها

۱. حسین بن عبدالله، ابن سینا، شفاء (چاپ جدید مصر و تجدید چاپ ایران) ج ۱۳.
۲. همان، ج ۱.
۳. همان، ج ۸.
۴. علاوه بر جستارهای علمی - سیاسی میرداماد، وی به نقل آقا بزرگ طهرانی در الذریعه، دارای رساله‌ای مستقل در آداب سلطنت می‌باشد که به صورت خطی رویت شده است.
۵. هر چند تفکیک صریح این دو مشی فکری در حوزه فلسفه ایران شدت و حدت محل فحص و بحث است؛ با این حال تمایزات آنها از نظر منبع علمی و منشأ فکری و وسایل تحقیق و جهان بینی علمی قابل توجه می‌باشد.
۶. ابوحامد محمد غزالی، شک و شناخت (ترجمه منقار بن الصلح)، ترجمه صادق آیینه وند، ص ۲۵.
۷. «مجمع البحرین» عنوان کتابی در ادبیات و فرهنگ اسلامی است که از جمله معروف‌ترین آنها در لغت قرآنی است؛ اما مجمع البحرین اثری از علامه مجلسی است که اصول سیاست ملک و ملت آن هم با مبانی عرفانی و اصطلاحات عرفا و به قلم عارفی والا و جامع عرفان نظری و عامل عرفان عملی است.
۸. اهم ویژگی‌های تفکر علمی - سیاسی عموماً تفکر فلسفی - سیاسی خصوصاً در عصر شکوفایی اندیشه سیاسی را می‌توان به گونه زیر نیز تقسیم و تبویب کرد:
الف) ویژگی‌های وجودی و فی نفسه (ماهوی):
۱ - تشکل (نظام و منظومه سیاسی)؛
۲ - تعلیل (مبادی سیاسی)؛
۳ - تحلیل (تفصیل، تعمیق و تجزیه)؛
۴ - تجرید و انتزاع.
ب) ویژگی‌های ایجاد و فی غیره: تأثیر و تأثر مستقیم، بالبداهه و بلافاصله با جوامع علمی - سیاسی نه جوامع سیاسی (که تأثر و تأثیر در آنها غالباً به صورت غیرمستقیم، ثانوی و متأخر بوده و است):
۱ - متأثر از مقتضیات علمی و فلسفی - سیاسی زمان و مکان و موضوع (و نه مقتضیات سیاسی)؛
۲ - تأثیر در آرا و افکار سیاسی (نه روابط و رفتار سیاسی یا ساخت‌ها و نهادهای سیاسی موجود).



۹. تجرید و انتزاع سیاسی: به منظور فهم هر چه دقیق‌تر عمل تجرید و انتزاع که بنیادی‌ترین خاصه علمی ذهن انسان در آفرینش علوم است و همچنین به منظور درک هر چه صحیح‌تر از شمای کلی مجردات و منتزعات (انتزاعیات) که ماده اصلی علوم انسانی به طور اعم از جمله علوم و نظریات علمی انسانی به ویژه علم و اندیشه سیاسی محسوب می‌گردند و به منظور بررسی نگرش اندیشمندان سیاسی و انسانی اسلامی در این خصوص و کاربرد آن در قلمرو علم و اندیشه سیاسی باید به دو نکته اساسی توجه کرد:

الف) تجرید و انتزاع سیاسی و علم و اندیشه مجرد و انتزاعی سیاسی، غیر از گسیختگی تفکر و بریدگی فکر و نظر و نظریات و تفکرات گسیخته و بریده از زندگی سیاسی عینی بوده و غیر از قطع رابطه و عدم توجه به پدیده‌های خارجی و واقعی سیاسی است، که حاصلی جز خیال‌گرایی، اوهام پرستی و بالجمله بافندگی به جای کشف و یابندگی در پی نخواهد داشت، بلکه در عین تأمل و تفحص در عمق باطن و حتی صورت ظاهر واقعیات سیاسی، با کمک قوه و خاصه کاشفیت ذهن انسانی در پی یافتن (و نه بافتن محض) مفاهیم و قوانین کلی حاکم بر آن واقعیات و پدیده‌های سیاسی می‌باشد و به عبارت دیگر، ذهن انسان با نفوذ به اعماق واقعیات به کشف نقاط و خطوط کلی نایل می‌گردد که در واقع امر، پدیده‌های سیاسی بر آن اساس موجودیت داشته و واکنش می‌کنند، و آن‌گاه ذهن با قدرت خلاقه، هنر و آفرینندگی خویش به ایجاد صورت‌ها و نظام‌های لازم برای بیان یافته‌ها می‌پردازد.

در نتیجه بایسته است با توجه به خطوط مسیر گسیختگی و بریدگی از واقعیات سیاسی از یک طرف و یافتن‌ها و علوم و معلومات سیاسی از طرف دیگر، در روند تعمق و تأمل دامن آفرینی خیال‌بافی سیاسی افتاد و نه با نفی و رد هر گونه مراتب والای اندیشه سیاسی یعنی تجریدات و انتزاعات با عنوان علمی نمایانه پرهیز از خیال‌گرایی سیاسی، به ورطه تفریطی قشری نگری، صورت‌گرایی و تحقیق کاپتوی علوم رسمی و این منحصرأختص علم و اندیشه‌های سیاسی نبوده، بلکه در تمام قلمروهای علمی انسان و علمی انسانی و اجتماعی جاری و ساری است. مضافاً به این که در تاریخ و جهان اسلام متفکران زیادی داریم که در قلمرو اندیشه‌های سیاسی به مراتب والای تفکر انتزاعی و تجریدی پرداخته‌اند، ولی نه به معنای گسیختگی و یوتوپیا بافی بلکه به معنای ژرفا کاوی؛

ب) «تجرید» غیر از «انتزاع» بوده، علی‌رغم برخی در آمیختگی‌ها در مفاهیم و برداشت‌ها، بالجمله «تجرید» مبتنی اقتباس و گزیدگی از جهات عینی و شخصی و جزئی مادی و سیر از مفاهیم و پدیده‌های عینی به پدیده‌های علمی، فکری و ذهنی اعم از صورت‌های جزئی و شخصی (به نام خیالی در مفهوم اندیشمندان اسلامی) و آن‌گاه کلی (یا همان علمی در مفهوم متفکران اسلامی) بوده و «انتزاع» بیشتر مبتنی تجزیه ابعاد، مراتب، اجزا و عناصر همان مجردات به ویژه مفاهیم و قوانین کلی و علمی است؛ به عبارت دیگر، تجرید بیشتر اقتباس گونه و تجزیه طولی پدیده‌های سیاسی است و حال آن که انتزاع بیشتر اقتباس گونه و تجزیه عرضی پدیده‌های سیاسی می‌باشد و هر دوی آنها به طور توأمان در روند تعمق و تأمل سیاسی لازم و ضروری است. برای بررسی جامع‌تر در این خصوص مراجعه شود به شرح استاد مطهری بر اصول فلسفه و روش رئالیسم.

همچنین برای تحقیق در تفاوت مفاهیم کل و کلی و نیز جزء و جزئی و این که مفاهیم قضایا و قوانین علمی کلی بوده

هر چند جزء باشند و حال آن که مفاهیم و قضایای جزئی غیر علمی است، هر چند کل باشند رجوع شود به منابع منطقی.

۱۰. رجوع شود به بحث سعادت و کمال در اکثریت قریب به اتفاق مجامع فلسفی موجود به ویژه آثار و اندیشه‌های فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر. ابوعلی سینا اثری مستقل در سعادت نگاشته که در آن به طرح نظرگاه‌های مختلف و مکاتب گوناگون در خصوص سعادت پرداخته است و ابونصر فارابی که اساس فلسفه سیاسی وی بر اعتبار سعادت انسان و جامعه انسانی استوار است و در جملگی آثار سیاسی خویش، مثل سیاست مدینه، آرای اهل مدینه، کتاب المله، تحصیل السعاده، التنبیه علی سبیل السعاده، فصول المنزعه و احصاء العلوم، به اعتبارات گوناگون به بحث سعادت و سعادات پرداخته است. با عنایت به جهان‌بینی فلسفی و علمی - سیاسی منظومه‌ای ایشان، به نظر می‌رسد که قطعاً اثری مستقل در سعادت داشته که از میان رفته و یا فعلاً در دسترس نیست و جای تأسف این که حتی نامی هم به جز اشاره‌ای کوتاه در تاریخ فلسفه اسلامی ذبیح الله صفا که اخیراً بدان برخورد کردم وجود ندارد.

۱۱. حسین بن عبدالله بن سینا، اشارات و تنبیهات، ص ۳۹.

۱۲. همان، ص ۴۹۲.

۱۳. بحث از معونت مادی، آلی و خدمت بالذات و بالعرض، مبنای است که در این خصوص ابونصر فارابی در سیاست مدینه و آرای اهل مدینه طرح کرده و خواجه نصیر در اخلاق ناصری تفسیر نموده و به عنوان زیر ساخت فلسفه سیاسی خود به کار گرفته‌اند و بحث سیاسی «استخلاف» در دیدگاه علامه طباطبایی، و اصول تعاون، مشارکت و معامله، مبادله ... و مضادات آنها در انظار غالب فادسفه سیاسی اسلامی اصولاً مبدأ در این تقسیم‌بندی

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

داشته و اساساً مبتنی بر آن مبادی ۱۴. اصطلاح مزبور از عنوان رساله طب ابوریحان بیرونی در اخلاق نظری تحت عنوان طب روحانی اقتباس شده و رساله ارزشمند حکیم ابو نصر فارابی در علم و فن طب سیاسی تحت عنوان فصول المنزعه بدان اشارت دارد.

۱۵. به تعبیر ارسطو در مطلع رساله نیکوماخس خویش و اخوان الصفا در رسائل خود و نیز فارابی در کتاب المله.

۱۶. ر.ک: علیرضا صدرا، رساله فلسفه سیاست، ج ۱: مبادی انسانی - سیاسی، ص ۷۰ - ۳۳۷.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی